

تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر خیزش‌های مردمی در جهان عرب

رضا سیمبر^۱
سیدنظام الدین موسوی^۲
روح‌الله قاسمیان^۳

چکیده

جهان در قرن بیستم، تحولات گسترده، متضاد، تأثیرگذار و در عین حال خیره‌کننده‌ای را شاهد بود. وقوع انقلاب اسلامی در کنار فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی از جمله حوادثی است که تأثیر فوق‌العاده و شگفت‌آوری در ورای مرزها و نظام بین‌الملل بر جای گذاشته و عناصر نظام بین‌المللی را به شکل عمیقی تحت تأثیر قرار داده‌اند. برخی از این رخدادها با تمام اهمیتشان دامنه اثر محدودی از خود به‌جای نهاده و برخی پویایی جریان‌ات درونی خود را حفظ نموده و گستره کلانی از ساختارها و فرآیندهای نظام بین‌المللی را تحت تأثیر قرار دادند. مقاله حاضر تلاشی است تحلیلی-توصیفی در ارتباط با این مسأله که «انقلاب اسلامی ایران چه تأثیری بر خیزش‌های مردمی اخیر در جهان عرب داشته است؟» در راستای پاسخ به سؤال مذکور، با استمداد از نظریه پخش، این فرضیه به آزمون گذاشته می‌شود که «انقلاب اسلامی ایران عمدتاً در عرصه‌های معنوی چون خلق اراده جمعی، تولید قدرت شبکه‌ای، معنویت‌گرایی و وحدت‌گرایی بر جنبش‌های اخیر عربی تأثیرگذار بوده است.» نتایج حاصله نشان می‌دهد که جنبش عربی، جوانان و سایر فعالان خیزش‌ها در کشورهای عربی، تحت لوای اسلام و متأثر از فنون به‌کار رفته در انقلاب اسلامی از قبیل شعارهای اسلامی و پرچم‌های مذهبی بستر ساز مناسبی برای بیداری اسلامی در این منطقه بوده‌اند.

کلید واژه‌ها: انقلاب اسلامی ایران، خیزش‌های مردمی، نظریه پخش، جهان عرب.

Email: rezasimbar@hotmail.com

Email: snmoosavi@yahoo.com

Email: ghasemian.roohullah@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۳/۵/۱۸

۱- استاد دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول)

۲- دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران

۳- دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۱۴

مقدمه

جهان در قرن بیستم، تحولات گسترده، متضاد، تأثیرگذار و در عین حال خیره‌کننده‌ای را شاهد بود. جنگ‌های جهانی، انقلاب‌ها، تعارضات و درگیری‌های میان جوامع، بخش قابل توجهی از تحولات قرن گذشته را به خود اختصاص دادند. برخی از این رخدادها با تمام اهمیتشان دامنه اثر محدودی از خود به جای نهاده و برخی پویایی جریان‌های درونی خود را حفظ نموده و گسترده کلانی از ساختارها و فرآیندهای نظام بین‌المللی را تحت تأثیر قرار دادند. وقوع انقلاب اسلامی در کنار فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی از جمله حوادثی است که تأثیر فوق‌العاده و شگفت‌آوری در ورای مرزها و نظام بین‌الملل بر جای گذارده و عناصر نظام بین‌المللی را به شکل عمیقی تحت تأثیر قرار داده‌اند (محمدی، ۱۳۸۴: ۳۶).

پس از فرار محمدرضا پهلوی و بازگشت امام خمینی(ره) به کشور ایران، بازیگران عرصه بین‌المللی، این واقعه بزرگ را در ساخت راهبردی و سیاسی، به مثابه یک واقعیت باور نمودند. در واقع پیروزی انقلاب اسلامی در ایران پیامدهای مستقیم و غیرمستقیمی برای نظام بین‌الملل، عناصر و فرآیندهای درونی آن داشت، چنانچه خروج ایران از اردوگاه غرب و تقابل اساسی با نظام بین‌المللی، تأثیرات عمیقی بر معادلات منطقه‌ای وارد نمود که عامل بسیاری از این تأثیرات را می‌بایست در ویژگی‌های این انقلاب، چه در بعد نظری و چه در بعد اجرایی آن جستجو کرد (قاسمیان، ۱۳۸۷: ۵۸).

انقلاب اسلامی ایران در ایجاد، تقویت افتخار و اعتماد به نفس مسلمانان اعم از سنی و شیعه، بدون توجه به ملیت یا تمایلات سیاسی آن‌ها نقش داشته است. این تجدید حیات اسلامی به شکل‌های گوناگون و با بیان عقایدی مرتبط با یکدیگر تجلی یافته است و نیروی مردمی ناشی از بیداری اسلامی، مرزهای جغرافیایی را در هم نوردیده و از ایدئولوژی‌های سیاسی و نظام‌های ملی فراتر رفته و در عین حال، به‌عنوان یک معضل جدی در مقابل رژیم‌های محافظه‌کار حاکم بر این کشورها قرار گرفته است. این حرکت‌های اسلامی که کماکان نیز ادامه دارد و امروزه در جهان عرب شاهد آن هستیم، نه تنها باعث تقویت انقلاب اسلامی ایران شده بلکه جایگاه ایران را به‌عنوان کانون بیداری اسلامی پررنگ‌تر کرده است.

با نظر به موارد مطرح شده و دقت نظر در تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا به بررسی بیشتر انقلاب اسلامی ایران بر خیزش‌های مردمی در جهان عرب می‌پردازیم. از همین‌رو، سؤالی که مطرح می‌شود این است که انقلاب اسلامی ایران چه تأثیری بر خیزش‌های مردمی اخیر در جهان عرب داشته است؟ در راستای پاسخ به سؤال مذکور، با استمداد از نظریه پخش، این فرضیه مطرح می‌شود که «انقلاب اسلامی ایران عمدتاً در عرصه‌های معنوی چون خلق اراده جمعی، تولید قدرت شبکه‌ای، معنویت‌گرایی و وحدت‌گرایی بر جنبش‌های اخیر عربی تأثیر گذار بوده است». بر این اساس، جهت اثبات فرضیه مطرح شده ابتدا به ساکن در بخش چهارچوب نظری، روش‌شناسی پخش یا اشاعه تشریح می‌گردد و در ادامه و در بخش دوم، مطالب مقاله براساس روش مذکور سامان می‌یابد.

پیشینه تحقیق

جهان در قرن بیستم، تحولات گسترده و وقایع متنوع، متضاد، تأثیرگذار و در عین حال خیره‌کننده‌ای را شاهد بود. سرعت و ابعاد گسترده این تحولات در قرن بیستم به تنهایی با آن‌چه در قرون پیشین بر جهان گذشته، برابری می‌نماید. جنگ‌های جهانی، انقلاب‌ها و تعارضات و درگیری‌های میان جوامع، بخش قابل‌توجهی از تحولات قرن گذشته را به خود اختصاص دادند. برخی از این رخدادها با تمامی اهمیت آن‌ها دامنه اثر محدودی از خود به جای نهاده و برخی پویایی جریان‌های درونی خود را حفظ نموده و گستره کلانی از ساختارها و فرآیندهای نظام بین‌الملل را تحت تأثیر قرار دادند. وقوع انقلاب اسلامی در کنار فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی از جمله حوادثی است که تأثیر فوق‌العاده و شگفت‌آوری در ورای مرزها و نظام بین‌الملل بر جای گذاشته است. تحولات و وقایع فوق، عناصر درونی نظام بین‌الملل را به شکل عمیقی تحت تأثیر قرار داده‌اند. پژوهشگران در این زمینه تحقیق زیادی انجام داده‌اند، به‌عنوان مثال ابراهیم برزگر مقاله‌ای با عنوان «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی» را در ارتباط با تأثیرات انقلاب اسلامی نوشته است.

به‌نظر می‌رسد معمای چگونگی اشاعه و بازتاب انقلاب اسلامی در سطح تحلیل منطقه‌ای و سطح تحلیل بین‌المللی و جستجوی الگوی تبیین مناسب، محقق را بر آن داشت تا توان نظریه پخش را در بازتاب منطقه‌ای و بین‌المللی انقلاب اسلامی مورد سنجش قرار دهد. او با قالب‌بندی انبوه مواد خام در باب تأثیر انقلاب اسلامی بر سایر کشورها و مناطق و نه جنبش‌های اخیر در درون این کشورها، براساس نظریه پخش، انقلاب اسلامی را مؤثر و کانون تأثیرات می‌داند (برزگر، ۱۳۸۲: ۶۳).

در مقاله‌ای دیگر با عنوان «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر عربستان سعودی» اثر سیدمحمدصادق حسینی، نمونه دیگر در این زمینه است. در این مقاله تلاش شده است تا ضمن بررسی نظریه پخش و مؤلفه‌های مختلف این نظریه، براساس این نظریه نشان داده شود که آیا انقلاب اسلامی ایران تأثیری بر عربستان داشته است یا خیر؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ به این سؤال، این تأثیرگذاری به چه میزان و به چه شکل بوده است؟ در این راستا، نتیجه این پژوهش حاکی از آن است که انقلاب اسلامی ایران بر عربستان سعودی و به‌ویژه بر شیعیان این کشور، تأثیر قابل‌توجهی داشته است و این نظریه به‌عنوان چارچوب نظری این تحقیق می‌تواند این تأثیرگذاری را به‌خوبی نشان دهد (سیدمحمدصادق حسینی، ۱۳۹۲: ۱۷۳). مقاله سیدآصف کاظمی با عنوان «نظریه پخش و تأثیر حوزه علمیه قم بر معرفت سیاسی افغانستان» اثری دیگر است که در کمیسیون تخصصی و اختتامیه شانزدهمین دوره از جشنواره بین‌المللی شیخ طوسی به چاپ رسید. این اثر نیز به تأثیر بخشی حوزه علمیه قم بر شناخت سیاسی مردم افغانستان اشاره دارد (کاظمی، ۱۳۹۲: ۶۶). آن‌چه این مقاله را از مقالات دیگر متمایز می‌کند این است که در این اثر تلاش خواهد شد تا ضمن به‌آزمون گذاشتن نظریه پخش در تحولات اثر بخش انقلاب اسلامی، به تحولات اخیر در کشورهای عربی چون مصر، لیبی و تونس پرداخته شود.

چارچوب نظری

در تبیین بازتاب انقلاب اسلامی ایران، همچون دیگر انقلاب‌ها، رهیافت‌های نظری متعددی از نظریات همگرایی منطقه‌ای و جهانی و کارکردگرایی گرفته تا نظریه‌ی پخش، کاربرد دارند. در این پژوهش با در نظر گرفتن شرایط مختلف بازتاب انقلاب اسلامی بر کشورهای اروپای غربی نظیر دوری سرزمینی، بافت اجتماعی - فرهنگی نامتجانس و نوع بازتاب‌ها که به‌طور معمول فرهنگی بوده است، نظریه‌ی «پخش» یا «اشاعه» را در بازاندیشی این تأثیرات برگزیده‌ایم. نظریه‌ی پخش به‌دلیل ماهیت فرهنگی آن، قابلیت تفسیری یا توضیحی چشمگیری برای نشان‌دادن تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی بر دیگر نواحی دارد (Kuper, 1985: 203).

اشاعه یا پخش عبارتست از فرایندی که طبق آن، فرهنگی که علامت مشخصه‌ی جامعه‌ای است، در جامعه‌ی دیگری به‌عاریت گرفته و پذیرش می‌شود (پانوف، ۱۳۶۸: ۱۱۳). پخش، شامل انواعی چون جابه‌جایی، سرایتی و سلسله‌مراتبی است. لازمه‌ی پخش، جابه‌جایی و انتقال فیزیکی فرد یا گروه حامل اندیشه است (جردن و راوتتری، ۱۳۸۰: ۱۶۲).

در پخش سلسله‌مراتبی، پدیده‌ها از طریق توالی منظم دسته‌ها و طبقات، منتقل و گسترش می‌یابند (همان: ۱۶۳). در پخش سرایتی، گسترش عمومی ایده‌ها بدون در نظر گرفتن سلسله‌مراتب صورت می‌گیرد. دو نوع پخش سلسله‌مراتبی و سرایتی از نوع پخش‌هایی هستند که با سرعت انتشار بالایی از نوع پخش انبساطی‌اند (همان: ۱۶۰). در تبیین و مطالعه‌ی بازتاب‌های هر نوآوری سیاسی براساس نظریه‌ی پخش، زمینه‌های تأثیرپذیری، مبدأ و مقصد، بازه زمانی، ابزارها و کانال‌ها و در نهایت، موضوع پخش واکاوی می‌شود. همچنین موانع پخش و امواج رقیب از عوامل کاهش‌دهنده به‌شمار می‌رود که در بررسی بازتاب‌های پدیده و پخش آن بایستی در نظر گرفته شود (برزگر، ۱۳۸۲: ۲۹). تشریح بیشتر این موارد در ادامه به قرار زیر آورده شده است.

۱. زمینه‌های تأثیرپذیری: مجموعه شرایط و بسترهایی که فضای مناسبی را جهت پذیرش تأثیرات فرهنگی-انقلابی مهیا می‌کند.
۲. مبدأ پخش: مکانی است که خاستگاه نوآوری و صدور پیام‌ها و ارزش‌های جدید است.
۳. مقصد پخش: مکان‌هایی است که محتوای پخش یا جریان مداوم پخش به‌این مکان‌ها می‌رسد.
۴. زمان: دوره‌ی زمانی می‌تواند به‌صورت مداوم و یا به‌حالت دوره‌های متمایز از یکدیگر و متوالی در نظر گرفته شود.
۵. مسیرها و ابزارهای پخش: چنان‌که در نظریه‌ی پخش گفته می‌شود، دست‌کم به افرادی نیاز است که با رفتار خود باعث شوند تا جریان اشاعه خودبه‌خود مانند یک توده‌ی برفی که به «بهمن» تبدیل می‌شود، ادامه یابد (حشمت‌زاده، ۱۳۸۱: ۹۴ و ۹۵).

۶. موضوع پخش: موضوعات فرهنگی نظیر شیوع مدهای لباس یا موضوعات فیزیکی - فرهنگی نظیر مبارزات انقلابی و چریکی دهقانان روسیه و انقلابی‌های کوبا و ... جملگی می‌تواند موضوع پخش قرار گیرد.

۷. موانع پخش: موانع، چالش‌ها و امواج رقیب ممکن است امواج پخش پدیده را معشوش ساخته و از مسیر صحیح آن منحرف کند (برزگر، ۱۳۸۲: ۲۹).

با توجه به مطالب مطرح شده، آنچه در ادامه آورده شده است، کوششی است در جهت سازماندهی نظری و قالب‌بندی مواد خام در باب تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش‌های مردمی اخیر در کشورهای عربی که براساس نظریه پخش و به‌ترتیب مطالب شماره‌گذاری شده صورت گرفته است.

۱. زمینه‌های تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی

بسیاری از صاحب‌نظران و پژوهشگران معتقدند که انقلاب اسلامی ایران یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در پیشبرد روند بیداری و آگاهی مسلمانان و افزایش فعالیت‌های مؤثر اسلامی در جوامع مسلمان بوده است (قومانی، ۱۳۹۰: ۴۲). پس از انقلاب اسلامی، ایران به‌صورت ام‌القری اسلام در آمد. در واقع این انقلاب برآمده از دین، به احیای دین و تجدید حیات اسلام در ایران و جهان مدد رساند که یکی از ابعاد آن، تداوم بخشی به حیات جنبش‌های سیاسی اسلام معاصر در دو دهه اخیر است (کری، ۱۳۷۵: ۵۰-۶۴). حال این سؤال مطرح است که شاخص‌های مشترک و زمینه‌های تأثیرپذیری جنبش‌های سیاسی معاصر و همچنین خیزش‌های اخیر مردمی از انقلاب اسلامی ایران کدامند که در ذیل اصلی‌ترین شاخص‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱. ایده واحده: از آن‌جاکه انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب شیعی است همانند هر جنبش اسلامی دیگر، بر پایه وحدانیت خدا (لااله الاالله) و رسالت پیامبر اکرم (ص) (اشهد ان محمداً رسول الله) بنا شده است، کعبه را قبله آمل و آرزوهای معنوی خود می‌داند، قرآن را کتاب خداوند و آن را منجی بشریت گمراه تلقی می‌کند و به دنیای پس از مرگ و قبل از آن، به صلح، برادری و برابری ایمان دارد همان‌گونه که امام خمینی (ره) فرمود: «در کلمه توحید که مشترک بین همه است، در مصالح اسلامی که مشترک بین همه است، با هم توحید یکی کنید» (جعفریان، ۱۳۷۸: ۲۳۸).

۱-۲. دشمن یکسان: انقلاب اسلامی و جنبش‌های اسلامی دارای دشمن مشترک هستند. این دشمن مشترک که همان استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا و رژیم صهیونیستی است، همانند کفار قریش، مغولان وحشی، صلیبیون افراطی، استعمارگران اروپایی و صرب‌های نژادپرست و ... کیان اسلام را تهدید می‌کند. درحالی که انقلاب اسلامی با طرح شعار «نه شرقی و نه غربی»، علم مبارزه علیه دشمن مشترک جهان اسلام را به دوش گرفته است (جندی، ۱۳۷۱: ۲۶۰-۲۵۷).

۱-۳. آرمان مشترک: انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر، خواهان برچیده شدن ظلم و فساد و اجرای قوانین اسلام و استقرار حکومت اسلامی در جامعه مسلمانان و به اهتزاز در آوردن پرچم

لااله الاالله در سراسر جهان از طریق نفی قدرت‌ها و تکیه بر قدرت لایزال الهی و توده‌های مردم هستند. جنبش‌های اسلامی معاصر حیات خود را مدیون انقلاب اسلامی‌اند؛ زیرا انقلاب اسلامی به اسلام و مسلمانان حیاتی تازه بخشید، آن‌ها از عزلت و حقارت نجات داد، بر ناتوانی مارکسیسم، لیبرالیسم و ناسیونالیسم در اداره و هدایت مسلمانان محقر تأیید ورزد و اسلام را به‌عنوان تنها راه‌حل برای زندگی سیاسی مسلمین مطرح ساخت (کدیور، ۱۳۷۲: ۹۹). "حسین چودری" اندیشمند مسلمان انگلیس می‌گوید: انقلاب اسلامی توانست رفتار و عملکرد حقوق بشری برخی از جوامع غربی را رسوا کند که این کشورها برخلاف ادعاهای حفظ حقوق بشری خود حقوق مردم به‌ویژه مسلمانان را پایمال می‌کنند. انقلاب اسلامی در بیداری مسلمانان جهان و شکل‌گیری جنبش مسلمانان مؤثر بوده است (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۰). بنابراین موجودیت و هستی سیاسی جنبش‌های اسلامی به انقلاب اسلامی وابسته است. این امر زمینه‌های لازم برای تأثیرپذیری جنبش‌های اسلامی از انقلاب اسلامی را فراهم آورده است.

۴-۱. وحدت‌گرایی: تأکید انقلاب اسلامی و رهبری آن بر لزوم وحدت همه قشرها و همه مذهب‌های اسلامی در نیل به پیروزی در صحنه داخلی و خارجی، زمینه دیگر گرایش جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر به سوی انقلاب اسلامی است؛ چون انقلاب اسلامی با الگوپذیری از اسلام ناب محمدی (ص) هیچ تفاوتی بین مسلمانان سیاه و سفید، اروپایی و غیراروپایی قائل نیست. این انقلاب بر جنبه‌های اختلاف‌برانگیز بین مسلمانان نیز پای نمی‌فشارد بلکه با ایجاد دارالتقرب فرق اسلامی، برپایی روز قدس، صدور فتوای امام خمینی (ره) علیه سلمان رشدی و برگزاری هفته وحدت و ... در جهت اتحاد مسلمانان گام برداشته است. به‌همین دلیل طیف گسترده‌ای از گروه‌های غیرشیعی و حتی جنبش‌های آزادی‌بخش غیراسلامی، انقلاب اسلامی ایران را الگو و اسوه خود قرار داده‌اند (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۱: ۷۶۸). جای شگفتی نیست که مسلمانان سنی مذهب فلسطینی با نام و یاد امام خمینی (ره) به عملیات شهادت‌طلبانه دست می‌زنند. مجیب‌الرحمان شامی، روزنامه‌نگار پاکستانی در این باره می‌گوید: «تأثیر بزرگ دیگر امام این است که گرچه ایشان یک رهبر شیعه بودند... با این وجود مبلغ جدایی نبودند، فریاد او برای اسلام بود» (شامی، ۱۳۷۹: ۳۳).

۵-۱. مردم‌مداری: مردم‌گرایی انقلاب اسلامی، عاملی در گسترش انقلاب و پذیرش آن از سوی ملت‌های مسلمان بوده است. رهبری انقلاب ۱۳۵۷، بر این باور بود که باید به ملت‌ها بها داد نه به دولت‌ها. ویژگی بارز مردمی بودن انقلاب اسلامی در جنبش‌های سیاسی اسلامی راه یافته است و جنبش‌ها دریافته‌اند که اسلام توانایی بسیج توده‌های مردم را دارد بر همین اساس آن‌ها از اتکا به قشر روشنفکر، به‌سوی اتکا به مردم گرایش یافته‌اند و پایگاه مردمی خود را گسترش داده‌اند. مثلاً هسته اصلی مبارزه در فلسطین را روحانیون، دانشجویان، جوانان و نوجوانان تشکیل می‌دهند. به عقیده دکتر حسن الترابی رهبر جبهه اسلامی سودان، انقلاب اسلامی اندیشه کار مردمی و استفاده از توده‌های مردم را به‌عنوان هدیه‌ای گرانبها به تجارب دعوت اسلامی در جهان اسلام عطا کرد. گرایش به اندیشه کار مردمی، جنبش‌های اسلامی را به سوی وحدت‌طلبی مذهبی و قومی سوق داد که در مجموع این امر، جنبش‌های

اسلامی سیاسی را از اختلاف و تفرقه دور ساخته و آنها را از تشکیلات قومی‌تر، امکانات وسیع‌تر، حمایت گسترده‌تر و پایداری بیشتر برخوردار ساخت (عنایت، ۱۳۷۷: ۳۸).

به‌طور کلی انقلاب اسلامی تلاشی برای زنده کردن خدا در محور حیات انسان و نیز روشی برای زندگی فراتر از همه اختلافات ملی، قومی و مذهبی بود. این انقلاب چراغ رستگاری و نجات را برافراشت. البته این‌که مسلمانان و به‌ویژه جنبش‌های اسلامی بتوانند از نور این چراغ به هدایت و سعادت نایل آیند، به عوامل متعددی بستگی دارد که مهم‌ترین آن اراده و تلاش آن‌ها در چارچوب اسلام و با الگوگیری از انقلاب اسلامی است. انقلاب اسلامی از انقلاب‌هایی است که حرکت و آثارش در چارچوب مرزهای یک کشور خلاصه نمی‌شود بلکه دیدگاه فراملی دارد. به همین جهت بر روی ملت‌ها حساس است و تمایل به فراگیر شدن دارد.

بنابراین یکی از عمده‌علت‌های تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش‌های جهان اسلام به وجوه مشترک بین آن دو برمی‌گردد، این وجوه، زمینه‌ها و بسترهای اختلافی فی‌مابین را به حداقل رسانده و جنبش‌های اسلامی به‌صورت مختلف از انقلاب اسلامی متأثر شده‌اند، بخشی از این تأثیرپذیری در ابعاد سیاسی و برخی دیگر در ابعاد فرهنگی صورت گرفته است. علاوه بر جنبش‌های اسلامی معاصر، این انقلاب در سطوح دیگری نیز بر دولت‌های اسلامی نیز تأثیر گذاشت.

۲. مبدأ پخش

مطابق با چهارچوب نظری باید بیان داشت که انقلاب اسلامی مبدأ پخش است. این پدیده سیاسی از طریق ایجاد کانون‌های پخش ثانویه، به بازتولید و رشد گفتمان‌های بدیل نیز منجر شده است؛ به‌ویژه در دهه‌ی سوم انقلاب، با گذر زمان و تراکم و اشباع پیام‌های انقلاب اسلامی در منطقه، به تدریج این پخش به‌جای تک‌مرکزی به چندمرکزی تغییر وضعیت می‌دهد (برزگر، ۱۳۸۲: ۳۶). برخی کانون‌های ثانویه‌ی پخش، نظیر جنبش‌های مقاومت در لبنان، مصر، لیبی و فلسطین و گروه‌هایی در عراق، به انتقال هویت اصیل اسلامی، به‌ویژه در انگلستان اقدام کرده‌اند.

۳. حوزه، مقصد و مکان پخش

در ارتباط با حوزه و مقصد پخش باید بیان داشت که به‌طور طبیعی محیط و حوزه‌های پخش، گاهی به این دلیل که دارای تجانس فکری، فرهنگی، دینی، اجتماعی و اقتصادی پذیرا است و گاهی به این دلیل که موارد مذکور را دارا نیست، ناپذیر است. در راستای پذیرش، عوامل پذیرا موجب ایجاد زمینه‌های مساعد و هم‌گرایی و عوامل ناپذیرا موجب تأثیرپذیر نبودن از پیام‌های انقلاب اسلامی و واگرایی از آن می‌شوند (رفیع‌پور، ۱۳۷۶: ۸۸). از این‌رو، در بررسی تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر خیزش‌های اخیر مردمی در جهان عرب به این موضوع برمی‌خوریم که امواج پخش، وارد محیطی می‌شود که در میان برخی از آحاد

این جوامع، محیطی ناپذیرا و دارای شکاف‌های عمیق مذهبی، فکری و فرهنگی، زبانی، اقتصادی، نژادی و ... با انقلاب اسلامی وجود دارد.

علاوه بر این، ضمن آن که به دلیل دوردست بودن بعد مسافت و جغرافیایی، انتظار تأثیر انبوه پخش انقلاب بر این کشورها نمی‌تواند انتظار معقولی باشد، با وجود این، کانون‌ها و مقاصد چون لیبی، مصر و تونس و بحرین پذیرا در این مناطق وجود دارد که امواج و پیام‌های انقلاب را جذب و دریافت کرده‌اند. مسلمانان و به‌ویژه شیعیان در منطقه مذکور از این کانون‌های مهم به‌شمار می‌آیند.

۴. زمان

برخی اندیشمندان بر این اعتقادند که بازتاب‌های انقلاب اسلامی و به‌تعبیر گراهام فولر «تأثیر رفلکسی انقلاب» (فولر، ۱۳۷۳: ۱۵۶) تنها در نخستین سال‌های آن بسیار گسترده و فزاینده بوده و پس از آن به‌تدریج، با گذشت زمان شعاع این اثرات محدودتر شده است. آن‌ها در بررسی عوامل کاهش‌دهنده تأثیرات در کنار افزایش مسافت، گذشت زمان را نیز عامل مهمی در کاهش تعداد پذیرندگان تلقی می‌کنند و معتقدند میزان پذیرش با افزایش زمان کاهش می‌یابد (جردن و راونتزی، ۱۳۸۰: ۲۶). به‌عنوان نمونه «نیکی کدی» معتقد است تأثیرات محسوس انقلاب اسلامی و الهام‌بخشی، برای بسیاری از جریان‌های اسلامی در جهان اسلام صرفاً محدود به زمان وقوع انقلاب و چند ماه پس از پیروزی آن است (Keddie, 1980: 118).

این نوشتار بر این باور است که نگاه خطی در بازان‌دیشی اثرات پدیده‌هایی همچون انقلاب اسلامی و ساده‌سازی آن در تحلیل‌های این‌چنینی، ضمن خدشه در درک و دریافت از واقعیات، پیش‌بینی نتایج و آثار را در عمل، با نقص‌هایی مواجه می‌کند. این بازتاب‌ها در زمان‌های متفاوت، شرایط متغیر ایران، کشور مقصد، منطقه و نظام بین‌الملل به‌گونه‌ای سیال دچار قبض و بسط می‌شود که بایستی در تجزیه و تحلیل این موضوع لحاظ شود. در مطالعه موردی اروپای غربی، بازتاب انقلاب اسلامی در دوره‌های زمانی، از وقوع انقلاب تا پایان جنگ سرد و از پایان جنگ سرد تا واقع ۱۱ سپتامبر و از این واقعه تاکنون، تجربه‌های تأثیرگذار متفاوتی بر جای گذارده است. هرچند این دوره‌های کلی نیز بازه‌های زمانی جزئی‌تری را شامل می‌شود.

آن‌چه اکنون پس از گذشت سی سال از پیروزی انقلاب اسلامی ارزیابی می‌شود، این است که در پس واژگان ترکیبی خنثایی مانند «اسلام و مسیحیت و یا اسلام و اروپا»، (ورتوک و پیچ، ۱۳۸۰: ۳۳۳-۳۲۸) «آسیا و غرب یا اسلام و غرب»، (کارلسون، ۱۳۸۰: ۱۹۴-۱۳) در واقع، سخن از اسلام سیاسی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا است؛ چون دیگر سخن از اسلام منفعل و صرفاً اسلام - دین و اسلام - فرهنگ نیست، بلکه سخن از اسلام فعال و پویا و عمل‌گرا یعنی اسلام - تمدن و اسلام - سیاست است. بنابراین، مرزهای اسلام سیاسی بسیار بیشتر از آن‌چه که انتظار می‌رفت در کشورهایی چون مصر، لیبی، تونس و بحرین در حال گسترش است (خرمشاد، ۱۳۸۷: ۴۹). به‌عبارتی، ابتدای قرن چهاردهم هجری نقطه‌ی آغاز

تحول و حرکت جدیدی در جهان اسلام بود. اگر چه حرکت مزبور کُند و تا حدودی نامحسوس بود، ولی به تدریج احیای حیات سیاسی و اجتماعی مسلمانان و حضور آنان در صحنه‌های مبارزاتی و طرح گفتمان‌های حکومت دینی، عدالت‌خواهی، استقلال‌طلبی، اصطلاح «بیداری اسلامی» را در فرهنگ سیاسی و بین‌المللی وارد کرد.

۵. مسیرها، مجاری و ابزارهای پخش

فراتر از پخش غیرارادی یا رفلکسی، دولت ایران نیز، نه تنها مانعی برای پخش نوآوری ایجاد نکرده است، بلکه خود، عامل پخش شده و با اتخاذ سیاست «صدور انقلاب» امکان انتقال با سهولت بیشتر آن را فراهم ساخته است (برزگر، ۱۳۸۲: ۳۶). اصل صدور انقلاب با استفاده از چهار استراتژی الگوسازی، تبلیغ و آگاه‌سازی، آموزش و حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش (محمدی، ۱۳۸۱: ۷۱) در تعامل با دیگر کشورها به کار رفته است.

۶. موضوع پخش

موضوع پخش انقلاب اسلامی طیف متنوع و وسیعی از انواع تأثیرات را تشکیل می‌دهند که عبارتند از: لباس و پوشاک اسلامی، حضور بیشتر در مساجد و مکان‌های مذهبی و رونق‌گیری مساجد از جوانان، تأسیس سازمان‌های مذهبی و مبارزه، جدی‌شدن موضوع دین برای جوامع مسلمان‌نشین، الهام‌گیری از تاکتیک‌های مبارزاتی انقلاب اسلامی، مطالبات اجرای شریعت و احترام به شعائر مذهبی، اعتماد به نفس سیاسی، ترویج و تقویت آرمان مبارزه با اسرائیل، ایده وحدت شیعه و سنی، ایجاد جامعه و دولت اسلامی. با این همه به نظر می‌رسد وحدت و همدلی مردم حول محور اسلام و اعتقادات دینی مبارزه با یک دیکتاتورهای خودکامه از یک سو، بازخوانی هویت دینی و هویتی ملی این کشورها از دیگر سو و مقابله با خودکامگی و دست‌اندازی رژیم صهیونیستی، نشان‌دهنده این است که شاخص مشترک میان انقلاب ۱۳۵۷ ایران و خیزش‌های اخیر مردمی در خاورمیانه به وجود آمده است. به دیگر سخن شاهد این هستیم که اولین سده هزاره سوم به نوعی بازخوانی انقلاب سال ۱۳۵۷ است.

توضیح آن‌که، انقلاب اسلامی ایران با باز تعریف مجموعه‌ای از ارزش‌ها و آموزه‌های دینی و اسلامی، موجی از دین‌خواهی و اسلام‌گرایی را در منطقه به وجود آورد که دستاوردهای معنوی و تحول ادراکی آن رویدادی شگرف برای جهان تعبیر می‌شود. تا آن‌جا که ساموئل هانتینگتون، نظریه‌پرداز «برخورد تمدن‌ها» می‌گوید که پیروزی انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ در ایران می‌تواند نقطه آغاز جنگ پنهان تمدن‌های غرب و اسلام را رقم بزند. این نبرد- که البته نبرد معنوی و اسلامی است- بیش از ۳ دهه است که آغاز شده و در این مدت دستاوردهای زیادی به همراه داشته و خاستگاه خیزش‌های مردمی در کشورهای عربی شده است. چنان‌که مجداحمدحسین، دبیرکل حزب اصلی اسلامی مصر می‌گوید که انقلاب اسلامی ایران برای انتفاضه مردم لیبی، تونس و مصر و دیگر قیام‌های ملل عرب الگو و نمونه

است. به‌طور کلی موضوعات انتقال و به‌عبارتی پخش یافته انقلاب اسلامی بر بیداری اخیر مصر را می‌توان ذیل سه عنوان به‌شرح زیر تشریح نمود.

۱-۶. خلق اراده جمعی و عدم خشونت

نفی خشونت و سرنگونی تدریجی و مسالمت‌آمیز حکومت یکی از رویکردهای مهم مبتنی بر قدرت نرم انقلاب اسلامی و مورد تقلید جنبش‌های اخیر عربی بود. این شیوه‌ی رفتار تا پیش از این، منحصر به انقلاب اسلامی ایران بوده است. شیوه رفتار انقلاب‌های مصر، یمن، تونس و بحرین به روشنی نمایانگر نوعی عقلانیت جمعی است. در این انقلاب‌ها و به‌خصوص انقلاب مصر، از یک سو، اعتراض خیابانی مداوم بود که طی آن، خیابان‌ها و سایر مکان‌های عمومی تبدیل به پارلمان عمومی شده و نشانگر بی‌اعتمادی به نهادهای موجود بود. از سوی دیگر، و مهم‌تر آنکه، این حرکت، مسالمت‌آمیز و مبتنی بر اجتناب آگاهانه از هرگونه خشونت و درگیری بود. به‌گونه‌ای که جوانان عربی بارها در برابر هرگونه اعمال خشونت دولتی، مشی خود را مسالمت‌آمیز ذکر کردند. علاوه بر این، انقلابیون در گفتار و رفتار نشان دادند که، در شرایط نابرابر حاکم، فعالیت مدنی و تنظیم روند فرسایشی، راهبردی نتیجه‌بخش است.

اکنون موج انقلاب همه طبقات اعراب را همراه خود ساخته و تمامی گروه‌ها و احزاب جامعه حضور دارند. در بحرین و مصر شعار "نه شیعه، نه سنی، بحرینی" پاسخی روشن به تاکتیک حکومت آل خلیفه و مبارک بود که می‌کوشیدند انقلاب بحرین و مصر را به شیعیان یا سنیان محدود کنند. علاوه بر این، در مصر مسلمانان و مسیحیان کنار هم در میدان التحریر حضور پیدا کردند تا مبارزه علیه ظلم و ستمی که وجود داشت، به ثمر برسانند. این درست همان تاکتیک مورد استفاده انقلابیون ایران برای براندازی حکومت پادشاهی پهلوی بود که در این مقطع مورد استفاده مجدد قرار گرفت. این یعنی شکل‌گیری و گسترش اراده‌ی جمعی بین مردم کشورهای انقلابی. اما این اراده‌ی جمعی از فقدان رهبری واحد رنج می‌برد. از آنجایی که سال‌های متمادی حکومت‌گران دیکتاتور، اجازه ظهور و بروز مخالفت‌های سازمان‌یافته را به شهروندان تحت سلطه نداده‌اند، جنبش‌های اخیر مردمی، فاقد تشکیلات سازمانی منسجم و رهبرانی مقتدر برای سازماندهی اصولی اعتراض‌ها هستند. در واقع اکثریت مردم این کشورها "پوزیسیون‌هایی" بدون تشکیلات و رهبری هستند (نیازی، ۱۳۹۰: ۵۵).

۲-۶. ساختار و قدرت شبکه‌ای

انقلاب اسلامی ایران، مبتکر بهره‌گیری از قدرت متکثر و شبکه‌ای کنترل‌ناپذیر مردمی شناخته می‌شود. درهم‌تنیدگی و پیوند عمیق شبکه مساجد، حسینیه‌ها، حوزه‌های علمیه، جلسات وعظ و سخنرانی مذهبی علما و روحانیون، مراکز و نهادهای خیریه و...، طیفی وسیع از نیروهای انقلابی ایران را دور از کنترل و نظارت حکومت پهلوی، به یکدیگر متصل می‌نمود. در روند شبکه‌ای شدن قدرت در انقلاب‌های عربی، امور و مسائل سیاسی نه امری مستقل و خارج از زندگی اجتماعی بلکه جزئی از زندگی روزمره فردی به-شمار می‌رود و از طریق شبکه‌های اجتماعی دنبال می‌شود. در انقلاب فوریه ۲۰۱۱ مصر، این نقش را

شبکه‌های اجتماعی ارتباطی - الکترونیک پیشرفته ایفا می‌کنند. دعوت اولیه برای برگزاری تظاهرات ۲۵ ژانویه (روز خشم) از سوی آن‌ها صورت گرفت و بیشترین نیروی حاضر در خیابان‌های قاهره و دیگر شهرها را نیز اعضای ناشناس، اما مصمم همین شبکه‌های قدرت مردمی، تشکیل می‌داد. این امر ضمن آن‌که ارتباط و سرعت عمل معترضان را گسترش می‌داد، موجب سردرگمی نیروهای امنیتی و در نتیجه کاهش هزینه‌ها شد (قاسمیان، ۱۳۸۷: ۶۶).

این مشارکت شبکه‌ای و گسترده، به معنای مشارکت همگانی در شکل‌دهی به دنیای جدید و فراتر از تعهد به یک ایدئولوژی خاص است و سبب می‌شود الگوهای عمل و تاکتیک‌های بیشتری در عمل انقلابی پیشنهاد شود و پیشبرد اهداف جنبش به شخص یا اشخاصی خاص وابسته نشود. به نظر می‌رسد، جنبش‌های اجتماعی از این پس، دست‌کم در مراحل آغازین، بیش از سازماندهی و رهبری به پیدایی و گسترش شبکه‌های اجتماعی و قدرت شبکه‌ای نیاز دارند (نبوی، ۱۳۹۰: ۵۵). به دلیل شبکه‌های اجتماعی ایجاد شده، احزاب، گروه‌ها و جریان‌های مردمی راحت‌تر می‌توانند با هم ارتباط برقرار کنند. این شبکه‌ها در حال حاضر نقشی مهم ایفا می‌کنند و می‌توانند به وحدت جهان اسلام کمک کنند. در انقلاب‌های اخیر کشورهای عربی، اکثریت مردم نقش‌آفرینی گسترده‌ای در تداوم انقلاب دارند. ابتکاراتی مانند تجمع در میدانی اصلی شهرها، برپا کردن چادر، بیتوته کردن در میدانی و خیابان‌ها، پشتیبانی و تدارکات همگانی و... ابداعاتی هستند که به نظر می‌رسد، در نتیجه "ارتباطات شبکه‌ای - افقی" و همگانی حاصل شده است.

۳-۶. معنویت‌گرایی در عرصه سیاست و قدرت

هر چند شاید انقلاب‌های اخیر کشورهای عربی به‌طور دقیق و کامل از جنس و گونه‌ای که در ایران رخ داد، نباشد، اما فاقد نشانه‌های اسلامی و معنوی نیست. یعنی در این انقلاب‌ها همانند انقلاب اسلامی ایران، رهبران دینی در خط مقدم مبارزه قرار ندارند، بلکه روشنفکران و علما، پشت سر مردم و دنباله‌رو تحولات هستند. اما آرمان‌ها و نمادهایی وجود دارد که می‌توان گفت جریان‌های اسلامی در شکل‌گیری این جنبش مؤثر بوده‌اند و در تحولات بعدی آن نیز نقشی مهم خواهند داشت. برای نمونه، در مصر، لیبی و تونس و به‌خصوص بحرین زنان محجبه حضوری پررنگ در اعتراضات داشتند و نخستین پدیده‌ای که پس از پیروزی رخ می‌دهد، برپایی نماز جماعت در تظاهرات و در سطح خیابان‌هاست. یعنی این‌که نمی‌توان نقش اهداف و سمبل‌های مذهبی در این انقلاب را نادیده گرفت (نوربخش، ۱۳۹۰: ۶۵). آغاز تحرکات اعتراضی از مسجد و با انجام مناسک دینی نظیر نماز جمعه و نمازهای جماعت، آمیختگی جدانشدنی و تمایزناپذیر ادبیات مردم و جوانان با ادبیات دینی آن‌چنان برجستگی دارد که هیچ استشهادهای برای اثبات آن لازم نیست. جای تردید نیست که فرآیند تحولات درونی جنبش‌های کنونی مصر در مجموع به سوی انطباق هویت اجتماعی - دینی با هویت سیاسی پیش می‌رود. این فرآیند از یک سو یا به شکل‌گیری جریان‌ها و نیروهای سیاسی - معنوی تازه منجر خواهد شد، یا این‌که به تحول جریان‌ها و نیروهای موجود در مسیر دستیابی به توان لازم برای انعکاس هویت دینی و اجتماعی در چارچوب هویت سیاسی معنویت‌گرا منتهی می‌شود (قاسمیان، ۱۳۸۷: ۶۶).

۴-۶. همبستگی و اتحاد ملی

تأکید انقلاب اسلامی ایران و رهبری آن بر لزوم همبستگی همه اقشار و همه مذاهب اسلامی و سایر ادیان در نیل به پیروزی در صحنه داخلی و خارجی زمینه گرایش جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر به سوی انقلاب اسلامی است. چون انقلاب اسلامی به تأسی از اسلام ناب محمدی هیچ تفاوتی میان انسان‌ها قائل نیست و با ایده تأسیس دارالتقرب تمامی فرق اسلامی و ادیان را در کنار یکدیگر جمع می‌کند. به همین دلیل طیف گسترده‌ای از گروه‌های غیرشیعی و حتی جنبش‌های آزادی بخش غیراسلامی، انقلاب اسلامی ایران را الگو و اسوه خود قرار داده‌اند (دکمجیان، ۱۳۷۷: ۴۴).

۵-۶. دگرگونی ماهیت قدرت

انقلاب اسلامی ایران معنا و مفهوم قدرت را در سطح جهانی متحول کرد. منابع قدرت که پیش از این با سخت‌افزار، توسعه اقتصادی، جمعیت و قلمرو سرزمینی سنجیده می‌شد، پس از این به عنصر دین و مذهب و تأثیر سازنده آن در ساخت اجتماعی قدرت که امروزه از آن به‌عنوان قدرت نرم یاد می‌شود رهنمون شد.

بیداری اسلامی در کشورهای منطقه به‌رغم تفاوت‌های ظاهری این کشورها دارای نقاط مشترک بسیاری است. حرکت‌های اسلامی در بیشتر کشورهای اسلامی و عربی در دهه‌ی هشتاد یعنی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، رفته‌رفته به سمت رسیدن به حاکمیت بوده است، به‌طوری‌که تا به امروز میان آن‌ها و دولت‌هایشان جنگ ادامه دارد؛ مانند شورش‌های خودجوش سیاسی در عربستان، پاکستان، مصر، لیبی، تونس کویت و بحرین. آینده تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا به دلیل مخالفت با سیاست‌های موجود و نگاه محافظه‌کارانه آمریکا به منطقه در راستای منافع غرب نخواهد بود. از این لحاظ می‌توان گفت که مهم‌ترین عنصر تأثیر گذار بر این جنبش‌ها اندیشه‌های انقلاب اسلامی ایران بوده که از طریق قدرت نرم و با عنایت به ایدئولوژی اسلامی صورت گرفته است (امرای، ۱۳۸۳: ۹۹).

۷. موانع پخش

رشد و گسترش قابل‌توجه اسلام در اروپا و آمریکا و روند اسلام‌گرایی نوین در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، امروزه مایه نگرانی و هراس برخی از سیاستمداران و نظریه‌پردازان و نویسندگان غربی گردیده است. آن دسته از سیاستمداران و دولتمردان غربی که دیدگاه‌های افراطی دارند، از اسلامی شدن دوباره جنبش‌های عربی سخت در هراسند و اسلام را به‌عنوان دشمنی که دوران زندگی جدیدی را آغاز نموده و منافع غرب را به‌خطر می‌اندازد، می‌شناسند. به همین سبب جهان غرب می‌کوشد که خیزش‌های اسلامی را از نظر سیاسی و اقتصادی محدود سازد و به بهانه‌های مختلف پشتوانه‌های مالی آن را قطع کند. اقدام اخیر مقامات آمریکایی و اروپایی در بستن مؤسسات خیریه اسلامی و مسدود کردن حساب سازمان‌هایی که به ملت مظلوم فلسطین در مبارزه با اشغال‌گران صهیونیست کمک می‌کنند، در ادامه شیوه‌های فریبکارانه غرب در برخورد با بیداری اسلامی است (عبدوس، ۱۳۸۹: ۵۵).

از همین رهگذر، فرانسه بر ضدحجاب اسلامی که از اصول و مبانی اساسی عقاید اسلامی محسوب می‌شود، به مبارزه برخاست و زنان مسلمان مقیم این کشور را از آزادی عمل به باورشان محروم ساخت. فشارهای شدیدی که در کشورهای غربی مدعی آزادی و مدافع حقوق بشر بر شهروندان مسلمان خودشان وارد می‌شود، سیاست‌های سلطه‌جویانه آمریکا در منطقه خاورمیانه و تحریک‌نمودن مداوم نظام‌های حاکم بر کشورهای عربی و اسلامی در جهت مقابله با موج اسلام‌گرایی و خاموش کردن روح بیداری اسلامی همه و همه گویای احساس نگرانی و ترس جهان غرب از طلوع مجدد خورشید اسلام و تحقق اهداف حکومت اسلامی در سراسر جهان است. این ترس و نگرانی کشورهای بیگانه زمانی پررنگ‌تر می‌شود که کشورهای اسلامی از بعد داخلی بتوانند موانع بیداری اسلامی را بزدایند. در همین راستا، در ادامه مهم‌ترین موانع داخلی بیداری اسلامی در کشورهای مسلمان را از دیدگاه امام خمینی(ره) مورد بررسی قرار می‌دهیم.

به‌نظر می‌رسد که تفرقه، تحجر، حکام مستبد و دست‌نشانده، روحانیون وابسته و روشنفکران خود باخته از جمله عوامل اصلی کُندی بیداری اسلامی خواهد بود. جدول زیر به‌گونه‌ای دیگر این مسأله را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱

موانع داخلی پخش	
توضیحات	موارد
به معنای دور کردن اسلام از مفاهیم والایی چون شهادت‌طلبی، ظلم‌ستیزی، اتحاد و تشکیل امت اسلامی.	تفسیر به رأی اسلام و مبانی دینی
منظور نقش اساسی حکام و مستبدان دست‌نشانده است که با استراتژی‌های دیکته شده خود، از هرگونه بیداری اسلامی و حق‌خواهی مسلمانان جلوگیری می‌کنند.	سیاستمداران و رهبران مستبد کشورهای اسلامی
درست است که اسلام دین واحدی است ولی با مرور زمان، مذاهب و فرقه‌های دیگری با ظواهر متفاوت از کنار آن منشعب گردید. امروزه اختلافات سطحی این مذاهب، از طرف برخی از رهبران این فرقه‌ها، به امت اسلامی جدی و اساسی تلقین می‌شود که این مسأله مانع بزرگی جهت بیداری اسلامی برای وحدت اسلامی شده است.	اختلافات مذهب و عدم اتحاد اسلامی
تحجر علاوه بر اینکه ریشه‌های تفرقه اسلامی را به‌وجود می‌آورد، عاملی بزرگ برای اغفال امت اسلامی است.	تفکرات تحجرانه
روشنفکران خودباخته همواره با انتشار افکار منحرف خود عاملان اصلی خودباختگی جوامع اسلامی بوده‌اند.	نواندیشان و روشنفکران خودباخته
این گروه در قامت رهبران اصلی مسلمین با انحراف خود، یک جامعه را به انحراف می‌کشند. این مسأله در بیانات امام(ره) به‌خوبی نمایان است.	روحانیون وابسته

نتیجه‌گیری

مطابق پژوهش حاضر، انقلاب حضرت امام خمینی(ره) توانست دین اسلام و جوامع اسلامی را از سکوت و انزوا خارج کند. بر پایه انقلاب مذکور، الگویی بی‌نظیر در وحدت و یکپارچگی امت اسلامی و جهان شکل گرفت. در ادامه با پیشرفت‌های بی‌نظیر آن در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و...، این انقلاب توانست انقلابی موفق و پایدار برای کشورهای جهان اسلام معرفی شود و در نهایت باعث شد موج بیداری اسلامی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا اوج بگیرد. به‌خصوص در بیداری اسلامی مردم مصر، لیبی، تونس و بحرین انقلاب اسلامی تأثیرگذار بوده است. البته در این میان عوامل داخلی نیز از جمله جنبش‌های درون‌کشوری مانند جنبش اخوان المسلمین که به نوعی اسلام را مبلغ ایمان، عشق به میهن، فرهنگ، قانون و قدرت می‌دانند و خودآگاهی طبقاتی جامعه مصر، لیبی، تونس و بحرین از جمله عوامل اصلی بیداری اسلامی در این کشورها است. علاوه بر این، نسل جوان عرب که امروزه بدنه‌ی اجتماعی انقلاب‌های عربی را تشکیل می‌دهند، تجربه انقلاب اسلامی ایران را به چشم خود ندیده است، اما به یقین آن را به سبب مؤلفه‌های ارزشی و انسانی قدرت نرم منتشره از آن، درک کرده و آثار و دستاوردهای این پدیده را دیده و به آموزه‌ها و آرمان‌های آن دل داده است. شاید استقرار نسخه‌ای کامل از الگوی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای عربی دور از ذهن به‌نظر می‌آید، اما جوهره‌ی اسلام‌گرایی، ظلم‌ستیزی و آزادی‌خواهی به‌عنوان اصول جدایی‌ناپذیر انقلاب اسلامی، تأثیر معنوی خود را در خاورمیانه بر جا گذارده و اکنون ثمرات انقلاب اسلامی و آرمان‌های امام خمینی(ره)، در کشورهای عربی به بار می‌نشیند. حکومت‌های مستبد و وابسته به حدی ارتجاعی و پوسیده‌اند که توان ایستادگی در برابر این طوفان را نخواهند داشت. ارتش‌ها نیز هیبت خود را از دست داده‌اند و موج بیداری به گونه‌ای است که احزاب وابسته قدرت تأثیرگذاری ندارند.

با این حال ممکن است در آینده شاهد این تغییرات باشیم:

اول. هم‌اکنون رهبری تغییرات در ملت‌های عربی به دست خود مردم است و مردم در مقایسه با حاکمان همواره نسبت به صلح، عزت و کرامت خود مشتاق‌تر بوده‌اند. حکام بر مسند قدرت خود گاه‌ها در معرض فشار قرار می‌گیرند و ممکن است برای باقی‌ماندن در قدرت و رساندن میراث به فرزندان‌شان دست به معاملاتی هم بزنند. هم‌اکنون مردم به‌ویژه در تونس و مصر زمام امور را در دست دارند و همین امر عامل دقت و رقابت می‌گردد تا مسئولین نتوانند مانند گذشته آزادانه عمل کنند. گاه‌ها ممکن است ملت در معرض خطا و اشتباه قرار بگیرد اما پیشرفت امور مسائل پنهان را نمودار ساخته و ملت با سرعت شکاف‌ها و خلل را پر می‌سازند.

دوم. ملت‌های عربی در مقایسه با حکام خود، شوق و تمایل بیشتری به استقلال امت خود داشته و تبعیت، ذلت و سلطه دولت‌های غربی را رد می‌کنند و قطعاً این مسأله پس از ثبات اوضاع داخلی کشورهایی که انقلاب در آن‌ها به پیروزی رسیده نیز ادامه خواهد داشت.

سوم. ملت‌های عربی در مقایسه با حکامشان به یکدیگر نزدیک‌ترند. سازمان‌های عربی به دلایل بسیار از جمله منافع شخصی و نداشتن قدرت در تصمیم‌گیری و گرنش در برابر قدرت‌های خارجی از یکدیگر جدا افتاده‌اند. این امر سبب شده این ملت‌ها تا حدی از هم جدا بیفتند که حتی در مسائل ثانوی هم وحدت آن‌ها از سطح قابل قبولی برخوردار نباشد. اما ملت‌های عربی در درون خود احساس وحدت، اخوت و سرنوشت مشترک را دارا هستند و این احساس در سیاست‌های عملی آن‌ها متبلور خواهد شد. ملت‌های عربی غم‌های خویش را بصورت شبه جمعی اداره می‌کنند و آرزوهایی که طی دهه‌های گذشته درون اعراب بزرگ شده راه رشد خود را پیدا خواهد نمود.

چهارم. تعیین شاخصه‌های سازمان‌های جدید عربی مطابق معیارهای انتخابات و آزادی انتخاب انجام خواهد شد و این نکته درستی است که آزادی انتخاب نیازمند زمان است تا تبدیل به یک روش شود، اگرچه صرف شروع، بهتر از باقی‌ماندن زیر سلطه حاکمان و دستگاه‌های امنیتی است، از وظایف انتخابات دوره‌ای آن است که اگر ملت در مسیر خود اشتباه کرد، آن را اصلاح نماید.

پنجم. موج کنونی کشورهای عربی فقط منجر به تغییر در دولت‌های در معرض انقلاب نخواهد شد، بلکه تغییراتی را نیز در کشورهای عربی که مردم در آن‌ها به حرکت نیفتاده‌اند ایجاد خواهد نمود؛ علت آن است که آن‌چه در کشورهای انقلابی به راه افتاده، باعث ایجاد فشار بر حکومت‌های آرام خواهد شد. زیرا این موج تغییر تمامی کشورهای عربی را در بر خواهد گرفت.

ششم. قابل توجه است که رژیم صهیونیستی رژیمی است که از جانب انقلابیون رد شده و مردود است. مردم مصر، تونس، لیبی، یمن و بحرین شعارها و فریادهایی را علیه رژیم صهیونیستی و کسانی که با این رژیم تعامل دارند سر داده‌اند و انتظار نمی‌رود که این رژیم میان آن‌ها مقبول واقع شده یا تعامل با آن از سوی حکومت‌های جدید تسهیل و ممکن شود.

هفتم. مهم‌ترین بعد تمامی انقلاب‌های عربی متعلق به بعد اخلاقی آن‌ها است که ملت‌ها برای دفاع از آزادی خود برخاسته و با قدرت مقابل دزدی، تبعیت، استبداد، فساد، فریب و بهره‌کشی از مردم ایستاده‌اند. این انقلاب‌ها، حرکت‌های اخلاقی هستند که مرحله جدیدی از تاریخ معاصر عربی را شکل می‌دهند و برای کسانی که متمسک به ارزش‌هایی همچون فعالیت جمعی، همکاری، آزادی و همبستگی هستند، این امکان وجود ندارد که در امور خود کوتاهی کنند یا تسلیم نیروهایی شوند که حقوقشان را سلب کرده و بر کشورشان چیره می‌شود. این همان چیزی است که از جنبه‌ی اخلاقی و عملی برای جبهه مقاومت و به-ویژه فلسطینیان منعکس خواهد شد.

هشتم. بی‌تردید در معادله امروز منطقه آن‌چه بیش از پیش خودنمایی می‌کند، جای خالی رهبری واحد در رأس حرکت‌های یاد شده است، کسی که از یک سو استعداد در صحنه نگه داشتن مردم را داشته باشد و از سوی دیگر هنرشناسایی و ابطال دسیسه‌ها را نیز از خود بروز بدهد. رهبری که بتواند مردم انقلابی و مسلمان مصر و تونس که چندین دهه در سرکوب و خفقان کامل گذرانده‌اند را به سوی کمال و سعادت

هدایت کند. بدون شک آینده، روزهای سرنوشت‌سازی برای ملت‌های منطقه خواهد بود که باید منتظر ماند و نظاره کرد.

منابع

- امرایی، حمزه (۱۳۸۳)، *انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۲)، «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی»، *دوفصلنامه پژوهش حقوق و سیاست*، سال پنجم، شماره ۸، بهار و تابستان.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۲)، «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی»، *پژوهش حقوق*، بهار، شماره ۸، ۳۴.
- پانوف، میشل و میشل بدن (۱۳۶۸)، *فرهنگ مردم‌شناسی*، ترجمه اصغر عسکری خانقاه، تهران: نشر ویس.
- جردن، تری و لستر راونتزی (۱۳۸۰)، *مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی*، ترجمه سیمین تولایی و محمد سلیمانی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۸)، *مقالات تاریخی*، قم: الهادی.
- جندی، انور (۱۳۷۱)، *اسلام و جهان معاصر*، مشهد: آستان قدس رضوی.
- حسینی، سیدمحمدصادق، برزگر، ابراهیم (۱۳۹۲)، «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر عربستان سعودی»، *مجله مطالعات انقلاب اسلامی*، تابستان، سال دهم، شماره ۳۳.
- حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۸۱)، «انقلاب اسلامی و کشورهای مسلمان»، *فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی*، سال اول، شماره اول، بهار ۸۱.
- حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۸۷)، *تأثیر انقلاب اسلامی بر کشورهای اسلامی*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ سوم.
- خبرگزاری فارس (۱۳۹۰)، گروه بین‌الملل، بخش خاورمیانه، خرداد ماه.
- خرمشاد، محمدباقر، (۱۳۸۷)، «انقلاب اسلامی ایران و اسلام سیاسی»، در: جلال درخشه، گفتارهایی درباره انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- خمینی، روح‌الله (۱۳۶۱)، *صحیفه نور*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دکمچیان، هرایر (۱۳۷۷)، *اسلام در انقلاب جنبش‌های اسلامی معاصر*، ترجمه: دکتر حمید احمدی، تهران: کیهان، چاپ سوم.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۶)، *تضاد و توسعه*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- شامی، مجیب‌الرحمان (۱۳۷۹)، «هدف ما اسلام است»، *فصلنامه حضور*، شماره ۳۴.
- عبدوس، حامد (۱۳۸۹) «بازتاب انقلاب اسلامی ایران و مصر»، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران.
- عنایت، حمید (۱۳۷۷) «انقلاب اسلامی: مذهب در قالب ایدئولوژی سیاسی»، ترجمه امیر سعیدالهی، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌های ۱۳۷ و ۱۳۸.
- فولر، گراهام (۱۳۷۳)، *قبله عالم، ژئوپلیتیک ایران*، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- قاسمیان، روح‌الله (۱۳۸۷)، «بازتاب ۳۰ ساله انقلاب اسلامی در منطقه»، سایت خبری تابناک، سرمقاله.

- قومانی، محمد (۱۳۹۰)، «بیداری اسلامی و امام خمینی»، همایش بین‌المللی بیداری اسلامی، سالن همایش‌های اسلامی صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، خرداد ماه.
- کارلسون، اینگمار (۱۳۸۰)، *اسلام و اروپا: همزیستی یا خصومت*، ترجمه داوود وفایی و منصوره حسینی، تهران: انتشارات باز (مرکز بازشناسی اسلام و ایران).
- کاظمی، آصف (۱۳۹۲)، «نظریه پخش و تأثیر حوزه علمیه قم بر معرفت سیاسی افغانستان»، جشنواره بین‌المللی شیخ طوس.
- کدیور، جملیه (۱۳۷۹)، *رویارویی انقلاب اسلامی و آمریکا*، تهران: اطلاعات.
- محمدی، منوچهر (۱۳۹۰)، *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۴)، «بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران»، مجله ۱۵ خرداد، شماره ۵.
- نورانی، امیر (۱۳۹۱)، «مصر، بیداری اسلامی و انقلاب ایران»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸.
- نیازی، شهریار (۱۳۹۰)، «جنبش‌های اخیر در خاورمیانه تحول‌خواه هستند»، سایت مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- نیکی، کدی (۱۳۷۵)، *ریشه‌های انقلاب اسلامی ایران*، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، تهران: قلم.
- ورتوک، استیون و پیچ سری (۱۳۸۰)، *اسلام در اروپا: سیاست‌های دین‌امت*، ترجمه کاووس سید امامی، تهران: انتشارات باز (مرکز بازشناسی اسلام و ایران).
- Keddie, Nikki, 1980, *Oil, Economic Policy and Social Conflict; Race and Class*, London, Frank Cass.
- Kuper, Adam, 1985, *akd* Jessica Kuper (ed); *The Socience Encyclopedia*; London, Reutledge and Paul.